

## هیجان انگیز

هواداران استقلال خوشحال باشند یا ناراحت؟

پرونده پروبیچ بسته شد  
با ۶میلیارد ناقابل!

**شهروند** | در هفته‌های اخیر خطر کسر امتیاز به صورت کاملا جدی استقلال را تهدید می کرد و کمیته انضباطی فیفا تا دیروز به این باشگاه فرصت داده بود تا طلب ۴۳۰ هزار دلاری مهاجم سابق خود را پرداخت کند. بعد از این که استقلالی‌ها نتوانستند از طریق فیفا و مطالباتی که به خاطر حضور بازیکنان خود در جام جهانی داشتند، طلب پروبیچ را پرداخت کنند، علی‌خاطر، معاون این باشگاه به زاگرب سفر کرد تا به شکل حضوری پول مهاجم کروات را تحویل بدهد. با این که استقلال حدود ۸۵۰ هزار دلار از فیفا طلب دارد، اما آن پول‌ها هنوز آزاد نشده و مدیران این باشگاه به هر زحمتی شده، طلب ۴۳۰ هزار دلاری را فراهم کردند؛ اگر چه به گفته فتحی این اتفاق به قیمت از دست دادن پاتوسی تمام شده، چون باشگاه پولی برای جذب این بازیکن نداشته است. البته نباید از یاد ببریم که بی‌تدبیری مدیران وقت استقلال باعث رقم خوردن چنین اتفاقی شده، و گر نه پروبیچ که در زمان سرمربیگری پرویز مظلومی خیلی هم در ترکیب آبی‌ها به میدان نرفت و گل‌های کمی هم به ثمر رساند، راضی بود تا با دریافت ۳۰ هزار دلار ایران را ترک کند، اما بی‌توجهی به شکایت این بازیکن باعث شد تا جریمه‌هایی توسط فیفا انجام شود و در نهایت این مبلغ به ۴۳۰ هزار دلار یعنی چیزی حدود ۶میلیارد تومان با قیمت فعلی ارز برسد. به‌رحال آن‌طور که دیروز از باشگاه استقلال خبر رسید، خاطر توانسته در زاگرب از طریق سفارت ایران پول را دریافت و به پروبیچ پرداخت کند و این پرونده در دسر ساز را ببندد تا خیال هواداران در دقیقه ۹۰ از کسر نشدن امتیاز در همین ابتدای فصل راحت شود. شاید ناراحت‌ترین فرد از این ماجرا آندرا استراماچونی باشد که می‌توانست در این مقطع یکی، دو بازیکن باکیفیت خارجی با این مبلغ جذب کند، اما باشگاه مجبور به پرداخت آن برای مطالبات قبلی شده‌است.

## خبر

در دسر ۶۰ هزار یورویی که در اسناد باشگاه نیست

لوگوی پرسپولیس  
در آستانه مزایده عمومی!

**شهروند** | باشگاه پرسپولیس این روزها بشدت درگیر پرونده‌های داخلی و بین‌المللی است که در آستانه شروع لیگ نوزدهم مدیریت این باشگاه را زیر فشار قرار داده و هر روز هم خبر جدیدی از یک پرونده جدید از راه می‌رسد. بعد از این که یکی از طلبکاران باشگاه پرسپولیس با مراجعه به این باشگاه در دفاتر متعدد نتوانست طلب خود را بگیرد، حالا نتوانسته حکم توقیف لوگوی باشگاه پرسپولیس را از دادگاه بگیرد! این خبر یک شوک به طرفداران پرسپولیس بود، چون لوگوی این باشگاه، هویت آن محسوب می‌شود. این طلبکار که گفته می‌شود ۶۰ هزار یورو از پرسپولیس طلبکار است، تاکنون فقط حدود ۱۰ میلیون از طلب خود را دریافت کرده و بعد از شنیدن پاسخ‌های مبهم از سوی مدیران پرسپولیس ترجیح داده حق و حقوق خود را از طریق دادگاه بگیرد. حتی او مدعی شده چندباری عرب، مدیرعامل پرسپولیس را به شکایت و توقیف لوگو تهدید کرده و با واکنش عجیب او مواجه شده که گفته برود و شکایت کند تا هواداران بفهمند وضع مالی باشگاه خوب نیست! گویا حکم دادگاه مبنی بر توقیف لوگوی پرسپولیس صادر شده و در این صورت شاکتی این گزارده می‌شود. در این صورت یک فاجعه برای پرسپولیس رخ می‌دهد و لوگوی این باشگاه مشخص نیست به دست چه کسی خواهد افتاد و احتمالا برای بازگرداندن آن باید چند برابر پول پرداخت شود. جالب اینجاست که باشگاه پرسپولیس هم در اطلاعاتی‌های موضوع را تایید کرده، اما در بخشی از اطلاعاتی نوشته‌است: «باشگاه پرسپولیس در زمان مدیریت سردار محمد رویانین از سردار ایزدین مبلغ ۶۰ هزار یورو دریافت کرد. در اسناد مالی و اعتباری باشگاه، درباره نحوه هزینه کردن این مبلغ در آن زمان، سندی موجود نیست!» در ادامه این اطلاعیه آمده که باشگاه قصد پرداخت این بدهی در ۶ قسط را داشته، اما بعد از پرداخت قسط نخست به دلیل هزینه‌های دیگر همچون استخدام کادرفنی جدید موفق به پرداخت سایر قسط‌ها نشده‌است.

در هر بار تمرین پناهگیری، در محل‌های امن پناهگیری کنید تا انجام این عمل در زمان وقوع زلزله، نیاز به صرف وقت نداشته باشد.



حسین زمان:

## پیشنادهایی داشتیم که هر کسی را قلاقلم می‌داد

حسین زمان که حالا بعد از ۱۷ سال دوری دوباره به صحنه بازگشته است، می‌گوید که همچنان هم نمی‌داند چرا این همه سال ممنوع‌الفعالیت بوده‌است: «هیچ‌کس جواب خاصی به من نمی‌دادومی گفتند که دستور از ارشاد است. نمی‌دانم چه باید کرد که دوباره تا ۱۷ سال دیگر نروم. مدتی به من می‌گفتند که من سیاسی هستم ولی من اصلا سیاسی نیستم و اگر بوم که مرا کنار نمی‌گذاشتند، به هیچ حزب و گروهی وابسته نیستم. همیشه وطن برایم مهم بوده‌است. پیشنهادهایی به من شده که از ایران بروم که هر کسی را قلاقلم می‌دهد اما با این که فرستش را داشتیم هیچ‌گاه نتوانستیم از ایران بروم و نخواهیم رفت.»

## تربیون



## علیرضا جهانبخش:

«من زمان خوبی را با کریس هیوتن، سرمربی سابقم گذراندم. او مرد بزرگی است. او به من اعتماد داشت، به همین خاطر مرا از الکمار به برایتون آورد. به خاطر این اقدامش از مصمم قلم‌از او تقدیر و تشکر می‌کنم، اما برخی از اوقات در فوتبال همه چیز بر وفق مراد نمی‌شود. برای من مهم نیست که سرمربی چه کسی باشد. من همیشه تمام سعی خودم را برای باشگاه می‌کنم. فصل گذشته برای من فصل فراز و نشیب بود. من توانایی آن را دارم که بیشتر از اینها به باشگاه کمک کنم. فصل گذشته آن چه که می‌خواستیم، به صورت خوب نشد اما چیزهای زیادی یاد گرفتیم و می‌خواهیم فصل جدید را به بهترین شکل ممکن با سرمربی جدید آغاز کنیم. گراهام پاتر، مربی بسیار خوبی است. او می‌خواهد همه زمان بیشتری بازی کنند.»



## فسانه پاکرو:

«همیشه نسبت به نادیده گرفتن کودکان بازیگر منتقد بودم، چون بچه‌هایی که در آثار مختلف ایفای نقش می‌کنند و به شهرت می‌رسند، خیلی ناگهانی مورد توجه واقع می‌شوند و پس از مدتی از یادها می‌روند و کنار گذاشته می‌شوند. این رنجی است که کودک متحمل آن می‌شود و دیگران توجهی به این مسأله ندارند.»



## برانکو ایوانکوویچ:

«من یک مربی حرفه‌ای هستم و به همراه همکارانم از این راه زندگی درآمد می‌کنم و کسب درآمدم یکی از بزرگ‌ترین دارایی‌های من است. قرارداد چهارساله را امضا کردیم که هر ساله مبلغ ناچیزی به آن اضافه می‌شود، یعنی ادم منتهی‌القدر هستم. وقتی بازیکنان برای دریافت پول بازی می‌کنند، ما هم همین‌طور هستیم. مگر خود آقای عرب به صورت رایگان در باشگاه پرسپولیس فعالیت دارد؟ اگر چندین ماه حقوق بگیرد، چه حسی خواهد داشت؟ با وجود این که حقوق نگرفته بودیم اما کار کردیم، چون می‌خواستیم تا آخر فصل صبر کنیم تا ببینیم چه اتفاقی رخ می‌دهد. پس از پایان فصل هم دوباره صبر کردیم اما وقتی دیدم هیچ خبری نشده، به پیشنهادها فکر کردم. می‌خواهم خطاب به مدیران باشگاه بگویم، با ابعاد این شرم‌کننده که چنین رفتاری را با من داشتید، ایرج عرب و مهدی محمدنبی با یکدیگر دعوا داشتند و می‌خواستند مرا به دعوی خودشان وارد کنند اما من اجازه ندم که قربانی آن‌ها باشم.»



## جواد رضویان:

«مطمئن باشم اگر امروز سناریوی زهرمار را بخواهیم به‌دست بگیریم و آن را بازسازی کنیم، به‌صورت متفاوتی عمل خواهیم کرد. روزی که فیلم تمام شد، به آقای نوروزبیگی گفتم اگر الان برگردیم به روز اول فیلمبرداری فیلم را به‌صورت دیگری کارگردانی می‌کردم. همان روز آخر، امروز که نزدیک یکسال از تولید آن می‌گذرد و حتماً نگاهم تغییر کرده‌است.»

## رویداد

## گره کور

## سر نوشت سینمایی مجید صالحی

**شهروند** | باین که بعد از ماجراهای توقف آکران فیلم رحمان ۱۴۰۰، ارشاد انتشار سیل شایعات رسانه‌ای درباره سختگیری‌های آتی سازمان سینمایی را تکذیب کرد، اما ظاهراً این شایعات واقعیت داشته و سختگیری‌ها گریبان چند فیلم را گرفته. از جمله فیلم زیر نظر ساخته مجید صالحی که پروانه نمایشش همچنان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد و شورای صدور پروانه نمایش تا این لحظه از صدور مجوز آکران این فیلم خودداری کرده است، یعنی زیر نظر که از گزیننده‌های آکران نوروزی بود، نه تنها از آکران نوروزی بازماند که حالا در میانه تابستان هم هنوز پروانه نمایش ندارد.

گفتنی است ابراهیم داروغه‌زاده هم که به‌دنبال حل مشکل این فیلم بود، میزبش را به مهدی طباطبایی نژاد واگذار کرده تا گره کور نخستین فیلم مجید صالحی پیچیده‌تر شود.

دو نگاه متفاوت به مهران مدیری و جدیدترین اثرش؛  
نبوغ همچنان فوران می‌کند یا اعتبارش ته کشیده است

## خوب، بد، هیولا

نگاه تند و تیز به آخرین ساخته کارگردانی که زمانی هیولای طنز ایران بود

## اعتبارتان هم دار دنه می‌کشد آقای مدیری

همه می‌دانیم که مهران مدیری گذشته موفق داشته؛ یک دوچین از بهترین سنکاس‌های تاریخ تلویزیون‌مان را ساخته، سال‌های سال ما را خندانده، یک

برند موفق شده که می‌تواند در همه زمینه‌ها پولساز و درآمدزا باشد و... بله مهران مدیری اینها همه هست و حالا این همه نیست. دنیای هنرمندان دنیای بی‌رحمی است؛ آنها هر قدر که موفق باشند و گذشته قابل احترامی داشته باشند، با آن چه می‌سازند و در معرض دید عموم قرار می‌دهند، قضاوت می‌کنند. آخرین سنگ‌محک مدیری چیست؟ نه پاورچین (۱۳۸۲)، نه شب‌های بره (۱۳۸۴)، نه مرد هزارچهره (۱۳۸۷) و نه حتی قهوه تلخ (۱۳۸۸)، بلکه «هیولا» بی‌است که سال قبل کلید زده شده و حالا قسمت‌های آخرش پخش می‌شود. به سال تولید موفق‌ترین آثار مدیری نگاه ببینداز. بد. بعد از اینها کدام کار مدیری سر زبان‌ها افتاده و توی ذهن مردم و منتقدان جا باز کرده‌است؟ برای کدام کارش موج راه افتاده یا کدام تکیه کلامش (جز

اندکی از بازی و حرف‌های جواد رضویان در «در حاشیه») سر زبان‌ها افتاده؟ صریح‌ترش می‌شود اینکه؛ یک‌دهه است که از «مهران مدیری» فقط نامی مانده. کارگردان خوش ذوق و صاحب‌سبکی که مدام می‌سازد، مدام نیمچه شکست می‌خورد، مدام جبهه عوض می‌کند، مدام روی فراموشی مردم حساب می‌کند، مدام از اعتبارش هزینه می‌کند و در نتیجه موفق می‌شود در پس این یک‌دهه، در فضای فرهنگی ما خودش را روی بورس نگه دارد. با هم این تغییر فازها و فضاها را مرور کنیم که همه‌اش از زیرکی و هوش سرشار مدیری است و نه نتیجه آثارش؛ از تلویزیون رو به افول، به شبکه نمایش می‌رود، اوج می‌گیرد ولی شکست سختی می‌خورد، تجربه‌های بعدی را در همان فضای سازد ولی باز هم اقبالی ندارد اما هیچ باختی کردن او نیست، به تلویزیون برمی‌گردد، برای شکست «در حاشیه» ها کلی داستان‌سرای می‌شود، از سریال‌سازی دل می‌کند و به اجرا و استندآپ رو می‌آورد، با حداقل ایده، گلیشم را بیرون می‌کشد، دوباره به سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی بازمی‌گردد، برای موفقیت به نویسندگانی که همه موفقیت‌های قبلی به او وابسته است، رجوع می‌کند ولی نتیجه «هیولا» چه شده؟ با سریالی مواجهیم که در بهترین حالت، حداقل ۱۰ سال دیر ساخته شده است! داستان هیولا قابل حدس و لو رفته است، در همه قسمت‌ها و صحنه‌ها آشکارا؛ از مخاطب عقب می‌ماند، شوخی‌ها چنگی به دل نمی‌زند و جز در موارد نادری آدم را به قهقهه نمی‌اندازد، کنایه‌های داستان با همه اشاره صریح به رخدادهای روز، تاریخ مصرف دارند، بازی‌ها هم در معمولی‌ترین حالت ممکن است و کسی بیش از اندازه نمی‌درخشد، ستاره جدیدی رو نمی‌شود، تکیه کلامی به مخاطب نمی‌دهد و از همه بدتر اینکه مهران مدیری هم همان مدیری است و تفاوت چندانی با بلوتوت طماع و فریبکار و ظاهر ساز قهوه تلخ ندارد. با این حال، همه چیز در اوج شیک و چشم‌نوازی است. برای یکی دو سنکاس قدیمی، کلی هزینه شده و برای نماهای طبقه مرفه و شرکت‌های تودرتوی فرهنگیان، وسواس به خرج داده‌شده، ولی اینها کارگردانی نیست، اینها باعث درآمدن طنز نمی‌شود، اینها فقط در نظر اول مخاطب را جذب می‌کند، بعد از این ظواهر چه؟ این همان فریبی است که در فیلم «ساعت ۵ عصر» هم رخ داد و اگر چه اعتبار مدیری میلیاردری فروخت، ولی فیلم، فیلم خوبی نشد.

مدیریتی از اعتباری خرج می‌کند که انتها دارد، در مسیری قدم برمی‌دارد که به پایان می‌رسد و اگر آن زمان برسد، قطعا روز خوشایندی برای هیچ‌کس نخواهد بود. حتی منتقدانی که اغلب کم‌از انتقاد می‌کنند و جانب‌اقبال و محبوبیت او را نگاه می‌دارند ولی حاضر نیستند وقت بگذارند و همین سریال هیولا را ببینند یا حتی درباره‌اش نظر دهند. قبول آقای مدیری! ما سخت می‌خندیم و این روزها سخت‌تر. ما از طنزهای تلویزیونی و بی‌نمک اشباع‌شده ایم و این روزها بیشتر. ما حالمان از شوخی‌های سخیف و جنسی که به جای طنز به خوردن می‌دهند، به هم می‌خورد و این روزها عمیق‌تر. ولی همه اینها دلیل در جازدن و پسرقت عیان شما نیست. اعتبارتان دارد ته می‌کشد و کیست که این خبر/پیش‌بینی را زودتر به گوشتان برساند؟ به قول آن تماشاچی بازی تنیس فدر و نادال، کاش کسی بود که وساطت این تمجیدهای باسمه‌ای و این جوسازی‌های رسانه‌ای، داد می‌کشید: بیدار شو مهران! بیدار شو.

درباره چهره‌ای که همچنان هیولای طنز ایران است

## شما هنوز بیکه نازی آقای مدیری

سال ۱۳۷۲ وقتی مجموعه تلویزیونی «پرواز ۵۷» به کارگردانی و بسازی مهران مدیری از شبکه یک سیما پخش می‌شد، کمتر کسی فکرش را می‌کرد که بازیگر جوان آن روزها

بعدها بتواند به موفقیتی چشمگیر دست پیدا کند. بازیگر، کارگردان، تهیه‌کننده و در یک کلمه پزندگی که توانست ۳۰ سال یک‌تاز عرصه طنز ایران باشد. مهران مدیری سه دهه است که مرد اول کمدی ایران است. محبوبیت عجیبی که نیاز به کارشناسی دارد. چه چیزی در مهران مدیری سبب شده و او همواره محبوب باشد و محبوب بماند؟ فرقی هم نمی‌کند در تلویزیون باشد یا شبکه نمایش خانگی یا سینما؛ همین که اسمش بیاید مخاطب سرازیر می‌شود سمتش. عجیب‌ترین که کیفیت آثارش هم چندان اهمیت ندارد؛ او همیشه جلوتر از آثارش بوده است. هر اثری تولید کند، دیده می‌شود؛ تمام مخاطبان آثار هنری در اسرع وقت تولیدات او را دنبال می‌کنند؛ گاهی نقدی می‌کنند و معتقدند که جدیدترین اثرش چنگی به دل نمی‌زند نسبت به دیگر آثارش ضعیف‌تر است، اما همه‌اورا می‌بینند. جالب‌ترین که سال‌هاست تکیه کلام‌هایش چه در مقام اجرا و چه در سریال‌هایش بر زبان مردم کوچ و خیالان است. بعد می‌دانم دلیل این محبوبیت و کارزما کشف شده باشد، اما فالغ از کیفیت، اغلب آثار مهران مدیری تاریخ مصرف ندارد. همین حالا اگر بنشینید و مجموعه‌های «شب‌های بره» و «پاورچین» را ببینید، باورتان نمی‌شود که یک دهه پیش تولید شده باشند. یا «قهوه تلخ»؛ با وجود این که در نحوه پخشش در شبکه نمایش خانگی خون به دل مخاطب کرد و در نهایت نصفه‌کاره ماند، ارزش چندبار دیدن را دارد. مدیری زمانی که «دورهمی» را به تلویزیون آورد، باز هم اتفاق دیگری رقم زد. اغلب برنامه‌های ترکیبی نیازمند آیت‌های جذاب است؛ برنامه‌هایی مانند «خندوانه»، «صبر جدید» و بسیاری برنامه‌های دیگر. با مقایسه این برنامه‌ها به راحتی می‌توان به کارزما مدیری پی برد. «خندوانه» یا آیت‌های مختلف و ایده‌های جذاب، تنها یک رقیب جدی داشت به نام «دورهمی». برنامه‌های که فقط یک مهران مدیری داشت و کمی هم سرش جمشیدی نه چندان جذاب. شاید برای جذابیت یک برنامه همین کافی باشد که یک مهران مدیری داشته باشد و ساعت‌ها برای مخاطب حرف بزند. شاید به همین دلیل است که سال‌هاست حضور مهران مدیری در فیلم‌های سینمایی به یکی دو سنکاس خلاصه می‌شود و هرگز نقش اصلی بازی نکرده است. کارگردان‌های سینما هم یاد گرفتند یک نقش کوتاه برایش در نظر بگیرند و خیال‌شان راحت است که همین حضور کوتاه هم می‌تواند مخاطبان بسیاری را به شوق دیدن مدیری به سینما بکشاند و البته شنیده شده مبالغ قابل توجهی هم به‌بابت این حضور کوتاه دریافت می‌کند.

مدیریتی حالا با سریال «هیولا» هر دوشنبه میهمان خانه‌های مردم است. فکرش را بکنید میان این همه سریال پرزبان‌گری که این روزها در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود، «هیولا» همچنان متفاوت است. شبکه نمایش خانگی این روزها لایلا حاتم‌ی‌اراد، بهرام‌رادان و مهتاب کرامتی دارد و یک «سال‌های دور از خانه» که سریال کمدی است ساخته مجید صالحی، اما از میان تمام این سریال‌ها «هیولا» با یک مهران مدیری پیشتر است. اتفاقاً این بار «هیولا» حتی سیامک‌انصاری هم ندارد، اگر چه بعد از مدت‌ها یک پیمان قاسم‌خانی دارد که به نظر نمی‌رسد مثل روزهای او جوش باشد. «هیولا» شاید جزو آثار درجه یک مدیری محسوب نشود و به‌عزم بسیاری طنز قدیمی دارد، اما همچنان یک تاز سریال‌های شبکه نمایش خانگی است.

مهران مدیری نسبت به دهه‌های گذشته آشکارا تغییرات زیادی را به خود دیده است. مدیریتی یکی از مهم‌ترین کمدی‌سازهای تاریخ تلویزیون است که در خلق تیپ، استاد بلامناع است به‌طوری که بسیاری از تیپ‌های رایج در فرهنگ عمومی امروز ایران مدیون او و آثاری است که طی سال‌های گذشته از او به نمایش درآمده است. مهران مدیری امروز متفاوت از آن سال‌هاست. او بیشتر به گفتمه بود ترجیح می‌دهد در عرصه درام و آثار جدی به فعالیت بپردازد؛ همان اتفاقی که در نخستین فیلم سینمایی‌اش رخ داد. «ساعت پنج عصر» تصویری اغراق‌شده از واقعیت‌ها و فرهنگ اجتماعی هر روز همان است. این اغراق مختص زبان کمدی و موقعیتی است که مدیری در اثرش به تصویر می‌کشد، به‌گونه‌ای که باعث می‌شود مخاطبی که در این جامعه زندگی می‌کند، تصویر یک شهر طوفان‌زده با رفتارهای اغزجرو و افسارگسیخته را شاهد باشد. مدیریتی با سرزدن به بیمارستان، بهشت زهرا، تظاهرات کارگری و حتی وزارت اطلاعات، آشوبی که بر رفتارهای اجتماعی‌مان سایه افکنده است را به باد نقد می‌گیرد.

حالا چند سالی است که مدیریتی به خواسته‌اش رسیده و سعی کرده در کنار کمدی، نگاه جدی‌تری به مسائل اجتماعی و دغدغه مردم داشته باشد. شاید سال‌ها بعد رمز موفقیت و محبوبیت مهران مدیریتی فاش شود، اما هر چه هست، فعلاً او مرد تکرار نشدنی طنز ایران است.